

## « دانشنامه جهان »

نسخه ایست بخط نستعلیق محمد یوسف پسر غلامعلی فومنی و بسال ۱۱۱۰ نوشته شده. کاتب نسخه در پایان آن مینویسد: تاریخ نسخه منتسخ منه در حوالی دکن صورت اتمام یافت تحریراً دهم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۰۸ هجریه و تاریخ تألیف منتسخ منه این مجموعه در شهور سنه ۸۷۹ در دربار بدخشان ترتیب یافت. نسخه مورد گفتگو از کتابهای فهرست شده کتابخانه مجلس شورای ملی است و بشماره ۱۸۲۶ در آنجا یافت میشود.

آغاز: سزاوار ستایش و سپاس مبدع است که باقتضای ذاتی او که در لسان صاحب نوامیس الهی بامر کن معبر گشته.

انجام: تمام شد تشریحات تمام اعضای ظاهری و باطنی آدمی که خاتمه کتابت امید که ناظرانرا کمال فایده حاصل گردد بحق محمد واله و صحبه اجمعین.

### دانشنامه جهان:

کتابیست در بیان آثار علوی و گزیده ای از فلسفه الهی (بحث امور عامه و کلیات) و نیز بخشی از طب و تشریح دارای ده فصل و بیست اصل و چهار نتیجه و یک خاتمه.

آقای حائری در فهرست مجلس ج ۵ این کتاب را معرفی نموده و چون درباره آن بررسی ارزنده ای دارند ما نوشته او را در اینجا میآوریم این کتاب گرچه بارها چاپ شده و در فهراس معرفی گردیده است ولی درباره آن نکته ای ناگفته و شاید ناشناخته بود از اینرو نیازمند تذکر بود و آن اینکه این کتاب ترجمه شرح و متن قسمتی از اشارات ابن سینا است بدون اینکه مترجم یادآوری نموده باشد.

مؤلف کتاب غیاث الدین علی بن علی امیران حسینی اصفهانی است، و تاکنون اطلاع کافی درباره او بدست نیامده، نام وی در فهرست رضوی، ریو، بادلیان، غیاث الدین علی بن علی امیران و در ذریعه غیاث محمد بن علی امیران و یا غیاث الدین علی بن علی امیران با تردید یاد شده.

نسخه دوم با دلایان در سال ۲۳ سلطنت سلطان محمد شاه تحریر یافته و در نسخه برلین از سلطان محمد گورکان یاد گردیده.

در دیباجه نسخه چاپی (بنقل ذریعه و فهرست رضوی) کتاب از طرف مؤلف بابوالفتح سلطان محمد و در دیباجه نسخه رضوی بابوالفتح سلطان محمود بهادر خان اهدا شده اما در نسخه مانامی از هیچیک نیامده و اساساً مؤلف کتاب را اهداء نکرده. در فهرست رضوی و ذریعه آمده که: (تألیف این کتاب در ۸۷۹ در بدخشان انجام یافته) و گفته ریو درباره موطن خود به بدخشان اشاره کرده و این نگارنده تا این زمان در این نسخه این نکته را نیافته ام

والبتّه با تتبع ودقت بیشتر در کتاب ، اطلاعات بیشتری بدست خواهد آمد.

ریودربارهٔ عصر مؤلف گوید: چون از فخررازی بعنوان يك معاصر صحبت میکند نیابستی مدتی دراز پس از وی در گذشته باشد . این سخن نادرست است زیرا اولاً - مؤلف در یکجا از فخررازی و حکیم مظفراسفراینی و شیخ ابوعلی نام برده و بهیچوجه همزمانی آن در استفاده نمیشود. عین عبارت او این است:

مقدمهٔ اول و دوم از حکیم مظفراسفراینی منقولست و مقدمهٔ سوم از شیخ ابوعلی و امام فخررازی و دیگر متأخران (ص ۵۷ نسخهٔ ما) . ثانیاً - از خواجه نصیرطوسی (متوفی در ۶۷۲) و شرح او بر اشارات نیز یاد کرده.

مؤلف حبیب السیر درج ۴ در ضمن ذکر طائفه‌ای از سادات و علماء و اشراف که بعضی از ایشان با سلاطین آق‌قویونلو و زمره‌ای در ایام دولت ابدیونندشاهی (شاه تهماسب) اکتساب فضل نموده‌اند. از امیرغیاث‌الدین محمود ولد ارشد امیرمیران از جمله سادات اصفهان یاد کند و گوید از جمله سادات اصفهان بعلونسب و وفور حسب ممتاز ... در اوائل ایام کشورگشائی نواب... ببعضی امور نالایق متهم شده دست قضا منشور حیاتش را در نوردید. در عالم آرای عباسی نیز از خاندان میرمیران و بخصوص از غیاث‌الدین محمد (ج ۱ ص ۱۴۴ - ۱۴۵) یاد شده. گویمیرمیران بزرگان و ساداتی بوده‌اند از منسوبین بصفویه و تاریخچه آنان در بسیاری از تواریخ آن عهد مانند تاریخ فرشته و تاریخ یزد و روضه‌الصفویه آمده بنا بر این دور نیست مؤلف دانشنامهٔ جهان یکی از افراد همین خاندان باشد. در هر حال با توجه باینکه کتاب پس از خواجه نصیر نوشته شده و سبک کتاب نیز (که با وجود اغلاط فراوان نسخه بدشواری قابل تشخیص است) گواه آنست که بین قرن ۸ تا اوائل قرن دهم نوشته شده و نیز با توجه به نوشته‌ای که در ذیل نسخه ماهست میتوان نوشته فهرست رضوی و ذریعه را تأیید کرد.

کاتب در ذیل نسخه نوشته: تاریخ نسخه‌ایکه این نسخه از روی آن نوشته شده ۱۰۰۸ و تاریخ تألیف نسخهٔ اصل آن ۸۷۹ بوده. پیدا است که در ذیل نسخه اصل تاریخ تألیف وجود داشته.

مؤلف در دیباچهٔ مبسوط خود بر این کتاب برای مسائل و فصول کتاب فهرستی نگاشته که عیناً در اینجا نقل میگردد:

فصل ۱- در بیان پدید آمدن عقل کل و نفس کل به سبیل اجمال فصل ۲- در بیان پدید آمدن افلاک و ترتیب ایشان فصل ۳- در بیان گردش افلاک و مدت دور هر يك فصل ۴- در بیان پیداشدن عناصر و مکان هر يك فصل ۵- در بیان تقسیم عناصر فصل ۶- در کیفیاتی که لازم عناصرند فصل ۷- در بیان طبقات عناصر فصل ۸- در بیان شکل افلاک و عناصر و چگونگی ایستادن زمین فصل ۹- در بیان معنی و حقیقت جسم فصل ۱۰- در تقسیم جسم بسیط و مرکب اصل ۱- در استحالت عناصر اصل ۲- در سبب پیداشدن بخار و دخان اصل ۳- در بیان پیدا شدن باد اصل ۴- در بیان پیداشدن ابر اصل ۵- در بیان تولد ماران اصل ۶- در بیان

پدید شدن برف اصل ۷- در پیدا شدن تگرگ اصل ۸- در حدوث نژم ۹ اصل ۹- در پیدا شدن رعد اصل ۱۰- در پیدا شدن برف اصل ۱۱- در پیدا شدن صاعقه اصل ۱۲- در پیدا شدن کواکب منقشه و شهب و شهاب ثاقب.. اصل ۱۳- در بیان علامات حمزه اصل ۱۴- در پیدا شدن شمسیات اصل ۱۵- در حدوث نیازك اصل ۱۶- در پیدا شدن قوس و قزح اصل ۱۷- در پیدا آمدن هاله اصل ۱۸- در پیدا شدن زلزله اصل ۱۹- در بیان برآمدن آواز از زمین اصل ۲۰- در پیدا شدن آب چشمه و کاریز و چاه

نتیجه اول در پیدا شدن معادن که اقسام آن حجریاتست و.. نتیجه دوم در پیدا شدن نباتات و نفس و قوای آن نتیجه سوم در پیدا شدن حیوانات نتیجه چهارم در پیدا شدن انسان و بسیاری از نکات.

در خاتمه که دارای ۳۰ وصله است تشریح قانون بوعلی را باختصار ترجمه کرده (ص ۲۳۳ نسخه ما)

مسائل فلسفی و مباحث مربوط بامور عامه و نفس را مؤلف بدون اینکه نام برد از شرح اشارات خواجه و گاه از متن اشارات ترجمه‌ای باختصار و نارسا کرده (و یا تنها در نسخه ما بدین نارسائی درآمده).

برای نمونه فقره‌ای از هر دو کتاب را می‌آوریم:

فصل در بیان فکر و حدس باید دانست که نفس در معانی حرکت نماید مبادی (در نسخه: مساوی) تخیل در اکثر امر بآنکه نفس آنچه مخزونست در خزینه خیال و خزانه ذاکره و آنرا عرض دهد تا گاه باشد که از آن معلومات مجهولی معلوم گردد و گاه بود که آن حرکت نفس مثبت و منقطع گردد و از وی مجهولی معلوم نشود و حدس عبارتست از آنکه مطلوب و آنچه خواهند آنرا بدانند با حد اوسط و دلیل ثبوت او با وجود او یکبار در ذهنی درآید. (وصله پنجم از نتیجه چهار ص ۱۷۷ نسخه) فقره بالا ترجمه مختصر و نارسائی است

از متن اشارات و شرح خواجه (برك ۵۱ الف چاپ سنگی)

دنیاله سطور بالا در دانشنامه چنین آمده:

باید دانست که فکر و حدس را مراتب می‌باشد بآنکه بعضی از آن زود ذهن را بمطلوب میرساند و بعضی دیر و بعضی از آن چندبار ذهن را تأدیه می‌نماید و میرساند بمطلوب و بعضی چنین نیست پس تفاوت مراتب فکر و حدس هم در کیف بود و هم در کم.

این فقره تا پایان وصله ۵ مطابق است عیناً با سخن خواجه در شرح این فقره از اشارات .

۱ - نژم را خود در کتاب (ص ۴۴ نسخه ما) بدینگونه تفسیر کرده « مردم آنرا سرما یزکی و ژاله و شبنم نیز گویند ». پیوسته فرهنگ نظام نژم (ن) در اصطلاح مردم یزد یعنی مهونم باران است و بکار بردن این کلمه خود مؤید آنست که مؤلف از میر میران یزد بوده . رجوع ببرهان قاطع مصحح دکتر معین شود.

ولعلك تشهى زيادة دلالة على القوة القدسية ..

برگه ۵۱ ب سخن خواجه بدینگونه آغاز میگردد:

یرید بیان امکان وجود القوه .. و تقریر ان للحدس والفکر مراتب فی التأدیة الی المطلوب بحسب الکیف والکم اما بحسب الکیف فلسرعة التأدیة و بطؤها و اما بحسب الکم فلکثرة عددها و قلتها .. و صلة ششم نیز در اثبات کردن وجود عقل، و دنباله آن تا آخر مسائلی که مربوط به قوای نفس انسانی و اسباب حدوث کرامات و خوارق عادات و فصول خواب و رؤیا همه ترجمه ای است سخت باختصار و بدون ذکر نام از شرح اشارات خواجه و با تطبیق دقیق روشن میگردد جالب آنست که در پایان نتیجه چهارم و پیش از خاتمه در ذیل يك تنبیه گوید:

در ذکر وصیتی که حضرت شیخ ابوعلی در آخر اشارات آورده اند. سپس سخن خواجه را در شرح وصیت شیخ السرمیس عیناً با کمی اختصار ترجمه کرده اینک سطوری از آن را میآوریم :

تنبیه در ذکر وصیتی که حضرت شیخ ابوعلی در آخر اشارات آورده اند، باید دانست که هر عاقلی که اعتبار نموده شود حال خالی نیست که او معتقد معارف حقیقی و علوم یقین است یا معتقد اضداد .. باید دانست که حضرت شیخ ابوعلی بر اثر حکماء ما تقدم وصیت فرموده که مسائل حکمت الهی و نظیر آن که این کتاب اکثر از ایشان است باید که صفة نموده شود. (۹۰) بجای جمله (والشیخ امر بصیاتها عن خمس فرق) که در چاپ سنگی حذف شده و در نسخ خطی موجود است ش : ۱۸۱۸ ص ۲۳۲. و به پنج فرقه از این هفت فرقه تعلیم ننمائید اول فرقه ای که نه اعتقاد بحقایق دارند و نه باضداء آن.

برای آگاهی بیشتر به: ذریعه ۸: ۴۶ فهرست آستان قدس ۴: ۹۸-۹۹ فهرست فارسی دیوان هندش ۲۱۷۳-۲۱۷۴ فارسی برلین از ویلهلم فیتچ ش ۳۵۳ ص ۳۷۲-۳۷۴ ریو ۲-ص ۴۳۶-۴۴۰ بادلیان ش ۱۴۵۶ فهرست نسخ کتابخانه لغت نامه دهخدا نشریه ش ۳ مراجعه شود.

امید که نظر از امکان فایده حاصل گردد و تمجید و التواضع

بمعنی ما یحکم شیخ من در حواله دکن مورث اتمام

کر ۱۱ مهر محرم الحرام سنه ۱۰۰۸ هجره و تاریخ ۱۰ صفر

ان سحران محب در دهه بیستم ۱۸۶۹ در

در راه حسان رب ارب فرود مسعود

همه الا و ان سحر فاکم الاران

ع اصل اعباد محمد کرم الله

تلازم سحر سحران

ع مصر سنه ۱۱۱۱